

شرح التلويح اللوحية والعرشية

المجلد الأول
المنطق

تأليف

ابن كُمونة عرّ الدولة سعيد بن منصور

(المتوفى ٦٨٣هـ)

حَقَّقَهُ وَقَدَّمَ لَهُ

نَجْفَقُلِي حَبِيبِي



شرح التلويحات اللوحية و العرشية

المجلد الأول

المنطق

تأليف: ابن كمّونه، عزّ الدولة سعد بن منصور (المتوفى ٦٨٣ هـ)

تصحيح و مقدمه: نجفلي حبيبي

الناشر: مركز البحوث و الدراسات للتراث المخطوط

مدير الانتاج: محمد باهر

ترجمة المقدمة بالانكليزية: جواد قاسمي

خطّ غلاف الكتاب: احمد عبدالرضايي

المشرف على الطباعة: حسين شاملو فرد

تنضيد الحروف و الإخراج الفني: رضا سلگي و محمود خاني

الطبعة الأولى: ١٣٨٧ هجرية شمسية / ١٤٣٠ هجرية قمرية / ٢٠٠٩ ميلادية

الطبعة الثانية: ١٣٩١ هجرية شمسية / ١٤٣٣ هجرية قمرية / ٢٠١٢ ميلادية

العدد: ٥٠٠ نسخة

ثمن الدورة: ٤٥٠٠٠ تومان

شابک دوره: ٥ - ٦٩ - ٨٧٠٠ - ٩٦٤ - ٩٧٨

شابک ج ١: ٨ - ٦٨ - ٨٧٠٠ - ٩٦٤ - ٩٧٨

المطبعة: نقره آبي - التجليد: افشين

جميع الحقوق محفوظة للناشر
النشر الالكتروني لهذا الكتاب من دون إذن كتبي من الناشر ممنوع

عنوان الناشر: طهران، ص.ب: ١٣١٥٦٩٣٥١٩

الهاتف: ٦٦٤٩٠٦١٢، فاكس: ٦٦٤٠٦٢٥٨

E-mail: tolid@MirasMaktoob.ir

<http://www.MirasMaktoob.ir>

فهرست مطالب

مقدمه مصحح	هدفه
بخش اول - کلیات	هدفه
۱. اهمیت تصحیح نسخ خطی	هدفه
۲. نظر ابن کَمُونه در ضرورت تصحیح نسخ خطی	نوزده
۳. انگیزه مصحح در انتخاب این اثر	نوزده
۴. نویسنده متن التلویحات، شیخ اشراق	بیست
۵. معرفی اجمالی متن التلویحات اللوحیه و العرشیه	بیست و یک
۶. ساختار التلویحات	بیست و دو
۷. التلویحات و منطق دو بخشی	بیست و دو
۸. شروح التلویحات	بیست و سه
۹. متن مقدمه شرح التلویحات شهرزوری (التنقیحات فی شرح التلویحات)	بیست و چهار
۱۰. نکاتی در باب زندگی ابن کَمُونه، شارح تلویحات	بیست و هشت
۱۱. آیین ابن کَمُونه	سی و دو
۱۲. آثار ابن کَمُونه	سی و چهار
۱۳. دسته بندی آثار ابن کَمُونه	سی و پنج
۱۴. ترتیب تاریخی آثار ابن کَمُونه	سی و شش
۱۵. معرفی آثار چاپ شده ابن کَمُونه	سی و شش
۱۶. معرفی آثار چاپ نشده ابن کَمُونه	چهل

١٧. معرفى اجمالى شرح التلويحات اللوحية و العرشية..... جهل و يك
 ١٨. سخن ابن كمونه در تشریح چگونگی كار خود در شرح تلويحات جهل و چهار
 ١٩. ساختار چاپى شرح التلويحات اللوحية و العرشية..... جهل و شش
 بخش دوم - منطق شرح تلويحات جهل و شش
 ١. معرفى اجمالى ابواب منطق شرح تلويحات جهل و شش
 ٢. نسخ مورد استناد و رموز آنها پنجاه و هشت
 ٣. روش تصحيح و كارهاى انجام شده..... شصت
 تذكار و تشكر شصت و يك

- المقدمة ١
 المرصد الأوّل - نذكر فيه إيساغوجي و هو يشتمل على عشر تلويحات ٧
 العلم الأوّل - المنطق ٩
 المرصد الأوّل - نذكر فيه إيساغوجي ٩
 التلويح الأوّل - في غرض المنطق ١٠
 التصور و التصديق ١٠
 مقسّم التصور و التصديق هو العلم التجديدي ١٢
 أقسام التصور و التصديق ١٣
 الفكر و ما هو بمنزلة مادته و صورته ١٤
 أقسام مادّة الفكر و صورته ١٦
 سبب الحاجة إلى المنطق ١٦
 غرض المنطق و ماهيته ١٧
 دفع شبهة عدم الاحتياج إلى المنطق ١٩
 التلويح الثاني - في دلالة اللفظ على المعنى ٢٠
 أقسام الدلالة من المطابقة و التضمن و الالتزام ٢١
 وجه حصر الدلالات في الثلاثة ٢٢
 التلويح الثالث - في اللفظ المفرد و المركّب ٢٢
 أقسام اللفظ المفرد من الاسم و الكلمة و الأداة و أحكامها ٢٤
 تشكيكات في تعريف الكلمة و الاسم و الأداة و الجواب عنها ٢٦

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مقدمه مصحح

مقدمه در دو بخش تنظیم شده است:

بخش اول، کلیات، مشتمل بر مطالب کلی در باب سهروردی، التلویحات، ابن کمونه و شرح التلویحات.

بخش دوم، مطالب خاصّ بخش منطق شرح التلویحات.

بخش اوّل: کلیّات

۱. اهمیت تصحیح نسخ خطی

عصری که ابن کمونه در آن زندگی می‌کرد، یعنی قرن هفتم هجری، علاوه بر ریاضیات و هندسه و نجوم، عصر درخشش منطق، و در مرتبه بعد، الهیات است. ابن کمونه در فضای زندگی علمی پرثمر بزرگانی چون افضل‌الدین خونجی (۵۹۰-۶۴۶ هـ)، اثیرالدین ابهری (۵۹۷-۶۶۳ هـ)، دبیران کاتبی (۶۰۰-۶۷۵ هـ)، خواجه نصیرالدین طوسی (۵۹۷-۶۷۲ هـ)، شمس‌الدین محمد شهرزوری (زنده در ۶۸۷ هـ)، قطب‌الدین شیرازی (۶۳۴-۷۱۰ هـ) و علامه حلّی (۶۴۷-۷۲۷ هـ) می‌زیسته است. در این دوره، باب نقد و تحلیل

کاملاً گشوده شد و آثار ارزشمندی پدید آمد که برخی مثل آثار ابهری و کاتبی، به عنوان کتب درسی با رعایت قواعد آموزش، و برخی محققانه و استدلالی در سطوح عالی است مثل شرح اشارات خواجه طوسی و رسائل الشجره الإلهیه شهرزوری و درة التاج قطب الدین شیرازی.

توجه به شناختن موقعیت علمی جامعه اسلامی و فرهنگ ایرانی این دوره که قطعاً زمینه ساز ظهور و درخشش فلسفه اسلامی با مشعل داری ملاصدرا است، از اهمیت خاصی برخوردار است و علی رغم کارهای مفید انجام یافته، هنوز کارهای بسیاری بر جای است و برای تحقق آن، اهتمام به تصحیح نسخه های خطی، به عنوان یک سیاست علمی راهبردی، باید مورد توجه قرار گیرد تا در پرتو آن علاوه بر فوائد بسیار مهم، حداقل امکان تدوین بخشی از تاریخ علوم عقلی ادوار مختلف اسلامی یعنی منطق و فلسفه و کلام، فراهم گردد.^۱

ضرورت تصحیح نسخ خطی با هدف پیش گفته، البته با شیوه علمی، در روزگار ما با این فاصله زمانی بسیار با پدید آورندگان نسخه های خطی و کتب متقدمین، امری لازم است هر چند کار دشواری است؛ اما باید مورد توجه و اهتمام خاص قرار گیرد؛ البته انکار نباید کرد که در سال های اخیر - بحمدالله - این کار به خوبی به پیش می رود هر چند که

۱. برخی از اهداف کلی تصحیح متون و از جمله این اثر، عبارت است از:

- باز شناسی مواریث علمی و فرهنگی اسلامی و ایرانی.
 - ایجاد زمینه علمی لازم برای تدوین تاریخ علوم عقلی دوره اسلامی.
 - فراهم کردن امکانات فهم درست منابع علمی گذشته.
 - احیای مفاخر اسلامی و ملی.
 - متوجه کردن نسل حاضر به دیدگاهها و خدمات و زحمات گذشتگان و کیفیت تلاش علمی آنان.
 - عرضه متون قابل اطمینان و تسهیل مطالعه آنها برای اهل مطالعه.
 - ایجاد زمینه آشنایی متخصصان علوم خاص به تحولات تاریخی یک رشته علمی که خود می تواند زمینه ساز نوآوریهای بعدی بر بنیاد تحولات پیشین گردد.
- مقصود از ذکر نکات مذکور، تبیین فوائد است نه تکثیر آنها؛ چه برخی از این فوائد ممکن است در برخی دیگر ادغام شود.

می توانست با سازمان دهی بهتر و حمایت بیشتر، با اطمینان به توفیقات عظیم تر نائل آید. صاحب این قلم، در فرصتهای مختلف، کوشیده تا اهمیت این امر را گوشزد کند.

۲. نظر ابن کمّونه در ضرورت تصحیح نسخ خطی

شاید مناسب باشد که به لحاظ تاریخی، نظر ابن کمّونه را نیز راجع به اصل ضرورت و اهمیت تصحیح نسخ خطی در این مقدمه بیاوریم:

ابن کمّونه در آخر شرح الهیات تلویحات، تصریح کرده است که در شرح متن التلویحات با مشکل نسخه های مغلوط مواجه بوده است. به نظر او گاهی ممکن است این غلطها سبب شود که بپنداریم یک مصنف خطا گفته است. وی می گوید گاهی با تغییر یک کلمه و حتی یک حرف، ممکن است مقصود نویسنده تباه و دیگرگون شود. از سخن او برمی آید که هر قسمتی از شرح تلویحات که آماده و تکثیر می شده، او مشاهده می کرده است که توسط ناسخان در همان روزگار خودش، چه اشتباهات بزرگ صورت گرفته است و می گوید اگر زمان طولانی بگذرد معلوم نیست چه خواهد شد^۱.

به نظر ابن کمّونه مقابله تام و کامل کتب علمی با نسخ قابل اعتماد که درستی آنها مورد وثوق باشد لازم است و اهمال در این امر روا نیست^۲.

۳. انگیزه مصحح در انتخاب این اثر

و با توجه به این تذکرات، انگیزه کلی مصحح نیز در اقدام به تصحیح این اثر معلوم گردید. اما بصورت خاص، در جریان تصحیح رسائل الشجرة الإلهية شهرزوری برای این بنده مسجل شد که شهرزوری در تبیین مطالب، از شرح تلویحات ابن کمّونه بسیار استفاده کرده است و پس از مراجعه دقیق به آن، اهمیت این شرح را در توضیح و تبیین عبارات و

۱. آخرین صفحه شرح الهیات التلویحات (ج ۳ همین اثر): «كثيراً ما يقع الغلط من قِبَل الناسخين، فَيُظَنُّ من المصنِّفين؛ فَأَيُّ قَد وجدْتُ في أغلاطهم - حتى في تغيير كلمة أو حرفٍ - ما استحال به المعنى وفسد؛ و شاهدتُ وقوع ذلك في هذا الشرح قبل إتمامه؛ فكيف إذا طال به الأمد».

۲. همان: «و لهذا ما يجب أن لا تهمل المقابلة النامة للكتب العلمية بالنسخ المعول عليها الموثوق بالصحة عليها».

دیدگاههای سهروردی بسیار مفید یافتیم و به لطف خدای متعال به انجام آن توفیق یافتیم؛ هر چند که اگر قبل از انتشار رسائل الشجرة الإلهیة صورت گرفته بود، در تصحیح آن کتاب و بخصوص در مشخص شدن محل ارجاعات در یک اثر چاپی، بیشتر مفید می‌بود. ابن کمونه در حدّ قابل تحسین، در شرح سخنان سهروردی کوشش کرده و نکات بسیار ارزشمندی از لطایف سخن آن حکیم اشراقی را برجسته نموده و در موارد متعدد، نظر خاصّ او را از قول مشهور که مسامحة و از باب تمشیت با جمهور بیان کرده، متمایز ساخته است؛ علاوه با داشتن اطلاعات وسیع از دانایان زمان خویش و نقد و تلفیق آنها، قطعاً در توسعه فلسفه نقش داشته است چنان که در این مقدمه خواهیم گفت ملاصدرا در حاشیة شرح حکمة الإشراق و نیز در التَّنقیح، در مبحث تصور و تصدیق، دیدگاههای ابن کمونه را در شرح تلویحات مبنای تحقیق خویش قرار داده است.

۴. نویسنده متن التلویحات، شیخ اشراق (۵۴۹-۵۸۷)

شیخ شهاب‌الدین یحیی بن حبش امیرک، سهروردی مشهور به شیخ اشراق و شیخ شهید یا مقتول^۱، مؤسس و بزرگ حکمت اشراقی دوران اسلامی است^۲. وی آثار متعددی به عنوان میراث علمی از خود به یادگار گذاشته است که خوشبختانه در سالهای اخیر، تقریباً نزدیک به تمام آنها با تحقیق علمی منتشر شده‌اند^۳. هر دو شرح مهم‌ترین اثر

۱. احتمال می‌رود عنوان «مقتول» در ابتدا از جانب مخالفان سهروردی، برای القای این مطلب مطرح شده باشد که این شخص اعدام شده و مغضوب است و نباید مورد توجه قرار گیرد؛ هر چند بعدها این مفهوم را از دست داده است.

۲. با توجه به این که شرح زندگانی این حکیم، مکرر در مقدمه آثار او و نیز در نوشته‌های مختلف آمده است، در این مقدمه از پرداختن به آن خودداری می‌شود.

۳. آثار شیخ اشراق - علاوه بر این که برخی از آنها منفرداً و پراکنده توسط محققانی تصحیح و چاپ شده‌اند - بصورت مجموعه مصنفات نیز تا کنون در چهار جلد منتشر شده است: جلد اول، با تصحیح هنری کرین، مشتمل بر بخش الهیات کتابهای التلویحات اللوحیة و العرشیة و المقاومات و المشارع و المطارحات.

سهروردی، یعنی حکمة الإشراق نیز منتشر شده‌اند^۱.

۵. معرفی اجمالی متن التلویحات اللوحیه و العرشیه

التلویحات اللوحیه و العرشیه، یکی از آثار مهم شیخ اشراق است. این کتاب مشتمل بر مطالب مهم علوم سه گانه منطق و طبیعیات و الهیات است. خود سهروردی، این کتاب را با حجم کوچکش بزرگ شمرده است^۲. و در مقدمه المقاومات، آن را از ملحقات التلویحات دانسته است و در آن به توضیح و تکمیل مباحثی که به اختصار در التلویحات آمده، پرداخته است. در اغلب آثار خویش از این کتاب یاد کرده است. در مقدمه بخش الهیات التلویحات، در توصیف این کتاب، گفته است: در آن، فقط به ذکر دیدگاه‌های مشهور توجه نکرده بلکه آنها را منقح ساخته و لبّ قواعد معلّم اول را آورده است. این کتاب گرچه به روش کتب مرسوم مشائی است اما تقلید صرف نیست و لطائفی از حکمت اشراقی نیز در آن آمده است و مطالب بسیاری را با قصد نقد مذهب

→

جلد دوم، به تصحیح هنری کربن، مشتمل بر حکمة الإشراق، رساله اعتقاد الحکماء و رساله قصة الغریبه الغریبه.

جلد سوم، به تصحیح سید حسین نصر، مشتمل بر ۱۳ رساله فارسی.

جلد چهارم، به تصحیح نجفقلی حبیبی، مشتمل بر سه رساله عربی الألواح العمدیه و کلمة التصوف و اللّمحات.

متن منطق التلویحات بسال ۱۳۳۴ ش توسط مرحوم علی اکبر فیاض، در شمار انتشارات دانشگاه تهران و متن طبیعیات التلویحات به تصحیح سید حسین سید موسوی به سال ۱۳۸۰ ش، توسط نشر جابر، در تهران منتشر شده است.

منطق المشارع و المطارحات به تصحیح مقصود محمدی و اشرف عالی پور، ۱۳۸۵.

مقدمات تصحیح و انتشار طبیعیات المشارع و المطارحات را این بنده تدارک دیده‌ام و امید آن دارم که توفیق آن را بیابم (علّت تأخیر، تلاش برای فراهم کردن نسخه‌های مطمئن تر است). فعلاً برای انتشار سایر بخشهای المقاومات ظاهراً کاری صورت نگرفته و یا لااقل این بنده اطلاع ندارم.

۱. شرح حکمة الإشراق شهرزوری به تصحیح حسین ضیائی، که بسیار مغلوپ است، و شرح حکمة الإشراق قطب‌الدین شیرازی که علاوه بر چاپ سنگی ۱۳۱۳ ق، با اهتمام عبدالله نورانی و مهدی محقق با حروف چینی جدید انتشار یافته است و آن نیز خالی از اغلاط نیست.

۲. مجموعه مصنفات شیخ اشراق، ج ۲، حکمة الإشراق، ص ۱۰: «و من جملتها المختصر الموسوم بـ«التلویحات اللوحیه و العرشیه» المشتمل علی قواعد کثیره و لخصتُ فیها القواعد مع صغر حجمه».

مشائیان در آن مطرح کرده است؛ و بنا بر این قطعاً یک اثر فلسفی مستقل و ارزشمند است که اشارات و نکات پر ارزشی از حکمت اشراقی سهروردی نیز در آن آمده است. سهروردی در این اثر، هم در نام‌گذاری تلویحات، که با اشارات هم‌خوانی دارد، و هم در محتوا و روش، از اشارات و التنبیها ابن سینا پیروی کرده است. در برخی موارد از کتاب‌های النجاة و الشفای او نیز بهره برده است^۱؛ نیز از البصائر التصیریة^۲ ابن سهلان ساوی و المعتمر^۳ ابوالبرکات بغدادی، مطالبی را نقل و قبول و سخنانی را نقد و رد کرده است^۴.

۶. ساختار التلویحات

منطق تلویحات، در شش «مرصد»؛ و طبیعیات آن، در چهار مرصد؛ و الهیات آن، در سه «تلویح» و چهار «مورد» و یک «مرصاد عرشی» تنظیم شده است. جزئیات بیشتر در ضمن توصیف شرح التلویحات، در همین مقدمه خواهد آمد.

۷. التلویحات و منطق دو بخشی

منطق دو بخشی را ابن سینا در اشارات بنیاد نهاد و سهروردی در آثار خود از جمله در

۱. نشانی بسیاری از آن موارد را در پاورقی‌ها معین کرده‌ام.

۲. بنا به گزارش شرح حال نویسان، در اصفهان کتاب البصائر التصیریة ابن سهلان را نزد ظهیرالدین فارسی خوانده است: شهرزوری در نزهة الأرواح و روضة الأفرح (چاپ ترکیه و لیبی) و ترجمه فارسی آن از مقصود علی تبریزی، به کوشش مرحوم محمد تقی دانش پژوه و سرور مولایی، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۵ ش؛ محبوب القلوب اشکوری (متوفی احتمالاً در ۱۰۹۰ ق)، تصحیح حامد صدقی و ابراهیم دیباجی، انتشارات میراث مکتوب، ۱۳۸۲ ش، المقالة الثانية، ص ۳۴۶.

۳. کتاب المعتمر بر اساس چاپ حیدرآباد دکن ۱۳۵۷ ق، ص ۲، نامی است که خود ابوالبرکات بر آن نهاده است. و مقصود او مطالبی از حکمت است که برای او معتبر است و بنا بر این در افسست چاپ دانشگاه اصفهان ۱۴۱۵ ق که آن را «الکتاب المعتمر فی الحکمة» نامیده صحیح نیست و اگر «فی الحکمة» جزء نام کتاب باشد، چنانکه در نسخه خطی موجود در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران «المعتمر من الحکمة» آمده است مناسب تر است و خود ابوالبرکات نیز در طبیعیات همین کتاب، جزء ۲، ص ۱۲۰ و جزء ۳، ص ۱۶۰ چنین تعبیر کرده است: «الجزء ... من الکتاب المعتمر من الحکمة».

۴. در حد مقدور، مواضع آنها را در پاورقی‌ها نشان داده‌ام.